

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان  
برگردان از: حمید محوی  
۰۷ جولای ۲۰۱۵

## پشت پرده قروض یونان

امروز بحث و جدل درباره بدهکاری های یونان به انواع و اقسام تهدیدها انجامیده است، ابتداء علیه دولت آلکسیس سپیراس Alexis Tsipras و سپس علیه رأی دهندگان یونانی. تی پری میسان با امتناع از گشودن بحث روی وجهه شرم آور این بدهکاری، اردوی بین المللی علیه خروج یونان از منطقه یورو را مورد بررسی قرار می دهد. او طرح تاریخی اتحادیه و یورو را به شکلی که چرچیل و ترومن در سال ۱۹۴۶ مطرح کرده بودند یادآور می شود، تا نتیجه بگیرد که امروز یونان به دلیل محیط پیرامون ژئوپلیتیک بین المللی به دام افتاده است و نه به دلیل وضعیت اقتصادی اش.

ولترشیکه / دمشق (سوریه) / ۶ جولای ۲۰۱۵



جوزف رتینگر Joseph Retinger فاشیست پیشین پوندی که به مأمور بریتانیایی تبدیل شده بود، به درخواست ام آی ۶ اتحادیه همکاری های اقتصادی اروپا را بنیانگذاری کرد و به عنوان دبیر اول برگزیده شد. با چنین مقامی جوزف رتینگر را باید پدر بنیانگذار یورو بدانیم. سپس، او جنبش اروپایی را راه اندازی کرد و کلوپ بیلدبرگ Bilderberg را نیز به وجود آورد.

همه بررسی در یونان موجب بحث و جدل شدیدی در اتحادیه اروپا شد که حاکی از ناآگاهی عمومی از قواعد بازی بود. مباحثه کنندگان با داد و فریاد می خواستند بدانند که آیا یونان مسوول قرض هایش هست یا نیست، ولی با هوشیاری تمام

بحث را به شکلی پیش بردند که هرگز طلبکارها و بازپرداخت تدریجی را در مظان اتهام قرار ندهند. ولی چنین نگرشی به دلیل ناآگاهی از تاریخ یورو و انگیزه ایجاد آن بود.

### یورو : طرح آنگلوساکسون در دوران جنگ سرد

از تاریخ توافق نامه رم (۲۵ مارچ ۱۹۵۷ فرانسه، المان غربی، ایتالیا، بلجیم، هالند و لوکزامبورگ برای بازار مشترک اروپا) در شصت و چهار سال پیش مراتب اداری پی در پی در «طرح اروپا» مبالغ عظیم و بی حساب و کتابی برای تبلیغ در رسانه ها اختصاص دادند. هر روز صدها مقاله، برنامه پخش رادیویی و تلویزیونی را بروکسل تأمین مالی می کرد تا نسخه ای دروغین از تاریخ تحویل ما بدهند و به ما تزریق کنند که «طرح اروپای» کنونی همان طرح اروپای دوران بین دو جنگ جهانی است.

با این وجود از این پس آرشیوها به شکل عمومی برای همه قابل دسترسی می باشد. آرشیو نشان می دهد که در سال ۱۹۴۶ ویلسون چرچیل و هاری ترومن تصمیم گرفتند اروپا را به دو بخش تقسیم کنند: یک بخش کشورهای وابسته و بخش دوم اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و وابستگانش. برای اطمینان خاطر از دولت ها و تضمین رعایت مرزحاکمیت ها که از حد و حدود خودشان فراتر نروند، برآن شدند تا با تحریف نظرات موجود در همان دوران سیاست هایشان را به پیش ببرند.

آنچه را که در آن دوران «طرح اروپائی» می نامیدند برای دفاع از به اصطلاح ارزش های مشترک نبود، بلکه برای ادغام بهره برداری مواد اولیه و صنایع دفاع فرانسه و المان بود به شکلی که وضعیت مطمئنی فراهم گردد تا هیچ یک از این کشورها نتواند علیه دیگری جنگ به پا کند (نظریه لویی لوشور Louis Loucheur و کنت ریچارد دو کوندنهوف کلرگی comte Richard de Coudenhove-Kalergi [۱]). موضوع این نبود که تفاوت عمیق ایدئولوژیک آنها را نفی کنند، بلکه می خواستند اطمینان حاصل کنند که از این پس این دو کشور علیه یکدیگر وارد جنگ نخواهند شد.

در نتیجه ام آی ۶ و سازمان سیا مأموریت گرفتند تا در ماه می ۱۹۴۸ نخستین «کنگره اروپا» در لاهه را سازماندهی کنند. در این گردهمایی ۷۵۰ شخصیت (از جمله فرانسوا میتران) از ۱۶ کشور شرکت داشتند. بی هیچ کم و کاستی موضوع این بود که «طرح اروپای فدرال» (به قلم والتر هالشتاین Walter Hallstein رئیس آینده هیأت اروپائی — برای صدر اعظم آدولف هیتلر — دموکرات مسیحی — یکی از پدروخواندگان اروپا) با اتکاء به صرف و نحو کوندنهوف کلارگی باززائی شود.

در مورد این گردهمایی تاریخی چند اشتباه و سوء تعبیر باید تصحیح گردد.

(۱) در نخستین گام، جای آن دارد تا موضوع را در متن خاص آن مورد بررسی قرار دهیم. ایالات متحده و بریتانیا علیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی جنگ سرد را آغاز کردند. شوروی با پشتیبانی از کمونیست های چکسلواکی پاسخ گفت که به گفته تاریخ نگاری شوروی طی «حمله به پراگ» «فبروری پیروزی» به آنها اجازه داد تا قدرت را به شکل قانونی به دست گیرند. در نتیجه واشنگتن و لندن در توافقنامه بروکسل ایجاد ناتو را مطرح کردند. تمام شرکت کنندگان در گردهمایی اروپا طرفدار آنگلوساکسون ها و ضد شوروی بودند.

(۲) در گام دوم، وقتی ویلسون چرچیل بیانیه اش را خواند، اصطلاح «اروپائی» در بازی زبانی او ساکنان قاره اروپا بودند (و نه انگلستان که از دیدگاه او اروپائی نبود) که جبهه ضد کمونیست را انتخاب کرده بودند. در آن دوران از دیدگاه چرچیل انگلستان نمی بایستی به اتحادیه اروپا بپیوندد، ولی تنها می بایستی بر آن نظارت کند.

۳) در گام سوم، دو تمایل در بطن این گردهمایی بروز کرد: «اتحادیه گرایان» که تنها خواهان به اشتراک گذاشتن امکانات برای مقابله با گسترش کمونیسم بودند، و «فدرالیست ها» که می خواستند طرح نازی دولت فدرال را تحت اقتدار دولتی غیر انتخابی را به اجراء گذارند.



والتر هالشتاین **Walter Hallstein** مقام عالی رتبه آلمان، طرح هیتلر برای اروپای فدرال را به رشته تحریر درآورد. طرح او چنین بود که دولت های اروپایی تخریب شوند و ملت ها به شکل فدراتیو و براساس تقسیم بندی قومی پیرامون رایش آریایی متشکل شوند. مجموعه می بایستی تحت نظر دیکتاتور بروکراتیک غیر انتخابی و تحت کنترل برلین قرار گیرد. پس از آزادی، او طرح خودش را به کمک آنگلوساکسون ها به اجراء گذاشت و در سال ۱۹۵۸ به عنوان نخستین رئیس هیأت اروپایی برگزیده شد.

گردهمایی تمام مواردی که تا کنون به اجراء گذاشته شده را مشخص کرده بود، مانند سازمان زغال سنگ و فولاد اروپا، اتحادیه اقتصادی اروپا، اتحادیه اروپا.

گردهمایی اصل واحد مشترک پول را به تصویب رساند. ولی ام آی ۶ و سازمان سیا از پیش اتحادیه همکاری های مستقل اروپا را بنیانگذاری کرده بودند [۲] — که بعداً به اتحادیه همکاری های اقتصادی اروپا تبدیل شد — هدفش پس از تشکل مؤسسات، ایجاد واحد پول اروپایی بود (European Currency Unit – ECU) و یک واحد پول مشترک (یورو) بود، و این ساخت و ساز به شکلی باید صورت می گرفت که کشورهایی که به اتحادیه می پیوستند نتوانند از آن خارج شوند [۳].

این طرح را فراسوا میتران در سال ۱۹۹۲ به اجراء گذاشت. از دیدگاه تاریخی و شرکت فرانسوا میتران در گردهمایی لاهه در سال ۱۹۴۸، امروز خیلی پوچ به نظر می رسد که بخواهیم هدف دیگری برای یورو قائل شویم و بگوئیم که هدف دیگری در کار بوده. به همین علت، از دیدگاه منطقی، توافقات کنونی خروج از یورو را مد نظر ندارد، که اگر یونان بخواهد می تواند ابتداء از اروپا و سپس از یورو خارج شود.

### سیر تحولی «طرح اروپا» در نظام ایالات متحده

اتحادیه اروپا شاهد دو تحول اساسی بود:

۱) در پایان سال های ۶۰ انگلستان از شرکت در جنگ ویتنام امتناع کرد و نیروهایش را از خلیج فارس و آسیا بیرون کشید. بریتانیایی ها دیگر خودشان را به عنوان پنجاه و یکمین ایالت ایالات متحده نمی دانستند و سرانجام تصمیم گرفتند به اتحادیه بپیوندند (۱۹۷۳).

۲) در فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، ایالات متحده تنها ارباب بازی باقی ماند، انگلستان نقش مددکار را به عهده گرفت و دولت های دیگر نیز فرمانبرداری کردند. در نتیجه اتحادیه هیچ گاه برای گسترش به سوی شرق آمادگی پیدا نکرد و آزاد نشد، ولی تنها به تأیید واشنگتن و اعلام آن توسط وزیر امور خارجه جیمز بکر James Baker. به همین گونه اتحادیه ستراتیژی نظامی ایالات متحده را تصویب کرد [۴] که الگوی اقتصادی و اجتماعی آن نابرابری بسیار پر رنگی را نشان می دهد.

همه پرسی در یونان خط فاصلی را بین نخبگان اروپایی که زندگی برای آنها بیش از پیش مطلوب و آسوده به نظر می رسد و بی هیچ قید و شرطی از «طرح اروپا» پشتیبانی می کنند ، و از سوی دیگر طبقه کارگر که در این نظام از پا افتاده، پدیده ای که پیش از این بروز کرد، ولی تنها در سطح ملی، طی تصویب توافقنامه ماستریخت Maastricht توسط دنمارک و فرانسه در سال ۱۹۹۲.

ابتداء، رهبران اروپایی اعتبار دموکراتیک همه پرسی را زیر علامت سؤال بردند. دبیر اول شورای اروپا، توربیان یاکلان Thorbjørn Jagland (فردی که از هیأت داوران نوبل به خاطر بزهکاری اخراج شده بود [۵]) اعلام کرد :

۱) که طول مدت اردوی همه پرسی خیلی کوتاه بوده (۱۰ روز به جای ۱۴ روز)  
۲) نمی توانسته از سوی نهادهای بین المللی مورد نظارت قرار گیرد (که سازماندهی آن خیلی کند است).  
۳) و به این علت که موضوع به شکل روشن و قابل فهم مطرح نشده (در حالی که پیشنهاد اتحادیه که در روزنامه رسمی منتشر شده خیلی کوتاه و ساده تر از توافقنامه های اروپایی است که در همه پرسی مطرح شده).

با این وجود، پس از این که شورای دولت یونان قانونی بودن این همه پرسی را تأیید کرد، بحث و جدل اوج گرفت. نشریات حاکم اعلام کردند که با رأی «نه» اقتصاد یونان در ورطه ناشناخته ای فرو خواهد رفت. ولی تنها به این علت که کشوری به منطقه اروپا تعلق دارد تضمینی برای توفیق اقتصادی اش وجود ندارد. اگر به فهرست صندوق بین المللی پول مراجعه کنیم بر اساس برابری قدرت خرید، تنها یک دولت عضو اتحادیه اروپا بین ۱۰ کشور اول جهان دیده می شود : بهشت مالیاتی لوکزامبورگ. فرانسه در بیست و پنجمین رتبه بین ۱۹۳ کشور واقع شده است.

رشد اتحادیه اروپا ۱،۲% در سال ۲۰۱۴ بوده، یعنی میزانی که آن را در رتبه صد و هفتاد و سومین رتبه در جهان نشان می دهد، یعنی یکی از بدترین نتایج در سطح جهانی (حد میانه جهانی ۲،۲% است).



ماریو دراگی Mario Draghi رئیس بانک مرکزی اروپا، معاون پیشین اروپا در بانک گلدمن ساش است. او پنهان کاری هانی که در مورد صورت حساب یونان انجام داده را از پارلمان اروپا مخفی نگهداشت، با این وجود مدارک بانکی این اختلالات را نشان می دهد.

باید نتیجه بگیریم که به صرف عضویت در اتحادیه اروپا و به کار بستن یورو تضمینی برای توفیق اقتصادی نیست. ولی اگر نخبگان اروپا از این «طرح» پشتیبانی می کنند، علتش این است که در این رویکرد منافی دارند. در واقع، با ایجاد بازار مشترک و سپس واحد پول مشترک، طرفداران اتحادیه گرا اختلال ایجاد کردند. از این پس، تفاوت ها بین دولت های عضو نیست، بلکه بین طبقات اجتماعی است که از سطح اروپائی پیگیره یگانه ای را تشکیل داده اند. به همین علت ثروتمندترین ها از اتحادیه دفاع می کنند، در حالی که فقیرترین ها از بازگشت دولت های عضو.

### سرگردانی در مورد مفهوم اتحادیه و یورو

به دلیل فرهنگ و اژگان رسمی، سال ها از بحث های سردرگم می گذرد: به این معنا که اروپائی ها حامل فرهنگ اروپائی نیستند بلکه تنها اعضای اتحادیه اروپائی هستند. از دوران جنگ سرد، دائماً تکرار می کردند که روس ها اروپائی نیستند، و از این پس در مورد یونان نیز می گویند که با خروج از اتحادیه، فرهنگ اروپائی را ترک خواهد کرد. یعنی یونان، کشوری که گهواره فرهنگ اروپائی بوده با ترک اتحادیه دیگر اروپائی نخواهد بود. در نتیجه «سگ ها گریه نمی زاینند» (ضرب المثل فرانسوی برای آن که بگوئیم وارث عیب و ایرادهای والدین خودمان هستیم). اتحادیه اروپا توسط آنگلو ساکسون ها و با همکاری نازی های قدیمی علیه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به وجود آمد. این اتحادیه امروز از دولت اوکراین به انضمام نازی های عضو آن حمایت می کند، و علیه روسیه اعلام جنگ اقتصادی کرده و آن را «مجازات» نامیده است.

همان گونه که از نامش پیداست، اتحادیه برای متحد ساختن قاره اروپا به وجود نیامده بلکه با کنار گذاشتن روسیه برای منقسم کردن آن می کوشد و این موضوع را شارل دوگل افشاء کرده بود و از اروپای «برست تا لایووستوک» دفاع می کرد.

اتحادیه گرایان اطمینان می دهند که «طرح اروپا» صلح را از ۶۵ سال پیش تا کنون تضمین کرده است. ولی آیا از تعلق یا وابستگی اتحادیه به ایالات متحده حرف زده اند؟ در واقع، همین تعلق و وابستگی است که صلح بین دولت های غرب اروپا را تضمین کرده گرچه رقابت آنها در خارج از منطقه ناتو حفظ شده است. به عنوان مثال، آیا باید یادآوری کنیم که اعضای اتحادیه اروپا از جبهه های مختلفی در یوگوسلاوی سابق پشتیبانی کردند، پیش از آن که پشت سر ناتو متحد شوند؟ و آیا باید نتیجه بگیریم که اگر اعضای اتحادیه دوباره به دولت های حاکم خود بازگردند، ضرورتاً علیه یکدیگر جنگ به پا خواهند کرد؟



ژان کلود یونکر **Jean-Claude Juncker** با تأسف از همه پرسى یونان یاد کرد و آن را «خیانت» نامید. یونکر پس از آن که اشکار شد که به شبکه جاسوسی گلائیو در اتحادیه آتلانتیک تعلق دارد، مجبور شد از مسؤلیت های خود به عنوان نخست وزیر لوکزامبورگ استعفاء دهد. یک سال بعد، او به ریاست هیأت اروپا ارتقاء یافت.

حال اگر به موضوع یونان بازگردیم، کارشناسان به شکل گسترده نشان داده اند که قرض یونان به مشکلات حل نشده ملی از پایان دوران امپراتوری عثمانی و به همین اندازه به کلاهبرداری بانک های بزرگ خصوصی و نقش برخی از رهبران سیاسی مرتبط می باشد. علاوه بر این، این قرض پرداخت نشدنی هیچ تفاوتی با قرض های دولت های توسعه یافته ندارد که آنها نیز قادر به باز پرداخت نیستند [۴]. به هر صورت، آتن می تواند به راحتی از عهده برآید و بخش مشکوک قرض هایش را نپردازد [۷]، و اتحادیه را ترک کند و با روسیه متحد شود که همکار تاریخی و فرهنگی خیلی جدی تر از دیوان سالاران بروکسل برای یونان بوده است. خواست مسکو و پکن برای سرمایه گذاری در یونان از جمله اسراری است که همه به آن آگاهی دارند. با این وجود وضعیت یونان کمی پیچیده است زیرا عضو ناتو بوده و این اتحادیه در سال ۱۹۶۷ برای جلوگیری از نزدیک شدن یونان به اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی کودتا به راه انداخت [۸].

[تی بیری میسان](#)

حمید محوی

[۱] « [Histoire secrète de l'Union européenne](#) », par Thierry Meyssan, *Réseau Voltaire* ۲۸, juin 2004.

[۲] [La section française prend le nom de Ligue européenne de coopération économique (LECE). Elle est présidée par Edmond Giscard d'Estaing, père du futur président de la République et créateur de l'ECU

[۳] [MI6: Inside the Covert World of Her Majesty's Secret Intelligence Service, Stephen Dorril, The Free Press, 2000.

[۴] « [Stratégie européenne de sécurité](#) », *Réseau Voltaire* ۱۲, décembre 2003.

[۵] « [Thorbjørn Jagland destitué de ses fonctions de président du Nobel de la Paix](#) », *Réseau Voltaire* ۵, mars 2015.

[۶] « [Selon la BRI, la dette des États développés est insolvable](#) », *Réseau Voltaire* ۱۳, avril 2010.

[۷] [Cf. la théorie économique d'Alexander Sack.

[۸] « [La guerre secrète en Grèce](#) », par Daniele Ganser » ; [Grèce, le facteur Otan](#) », par Manlio Dinucci, Traduction Marie-Ange Patrizio, *Il Manifesto* Italie, (*Réseau Voltaire* ۲۴, août 2013 et 7 avril 2015.